

نابودي عاطفه در برق نگاه نادر

محمود معظمي که کارگرداني مجموعه 30 قسمتي «مردان تاريخ» و 70 قسمت از مجموعه ابيزوديك «شايد براي شما هم اتفاق بيفتد» را در کارنامه دارد...



با محمود معظمي، کارگردان مجموعه «تکيه بر باد»
نابودي عاطفه در برق نگاه نادر

محمود معظمي که کارگرداني مجموعه 30 قسمتي «مردان تاريخ» و 70 قسمت از مجموعه ابيزوديك «شايد براي شما هم اتفاق بيفتد» را در کارنامه دارد، اين روزها سريال «تکيه بر باد» را از شبکه تهران در حال پخش دارد. عوامل اين مجموعه تلاش کردند در قالب يك ملودرام خانوادگي همراه با داستانهاي جذاب، روايتگر عصيانگري دختري به نام عاطفه باشند. در واقع اين مجموعه تلويزيوني هشداري براي خانوادههاست تا مراقب جوانان خودشان باشند تا مبادا بلندپروازيهاي آنها باعث شود راه اشتباهي را در زندگي انتخاب کنند. از سوي ديگر به خانوادهها ميگويد با فرزندانشان هنگام بحران چگونه برخورد کنند و به جاي عصبانيتي که نتيجهاي ندارد، با آرامش مشکلات را حل کنند. مخاطب در هر قسمت از مجموعه تلويزيوني تکيه بر باد با گرههايي از داستان روبهرو مي‌شود و همين مساله باعث شده تا قصه براي بينندگان جذابيت لازم را داشته باشد. با محمود معظمي به گفت‌وگو نشستيم تا بيشتر درباره ساخت اين مجموعه بدانيم.

محمدرضا معصومزادگان، مدير گروه فيلم و سريال شبکه تهران قبل از پخش مجموعه تلويزيوني تکيه بر باد بارها در گفت‌وگوهاي مطبوعاتي اعلام کرد که ما محتواي اين سريال را قبل از پخش غني‌سازي کرديم. اين غني‌سازي در چه بخش‌هايي انجام شد؟ آيا بخش‌هايي از قصه قبل از پخش حذف شد؟

ايشان به عنوان مدير گروه فيلم و سريال شبکه تهران نظراتي درباره متن داشت. نويسندگان هم هنگام نگارش نظرات او را در قصه اعمال کردند. بعد از پايان تدوين هم از ما خواستند تغييراتي در قصه بدهيم. اين تغييرات نه تنها به محتواي اين مجموعه کمک کرد، بلکه به گونه‌اي قصه را صيقل داد. درست مثل اين بود که ما يك بازنويسي ديگر در قصه داشته باشيم. نظرات مدير شبکه و مدير گروه فيلم و سريال به نفع کار بود و اين تغييرات در روند و پيشبرد قصه نقشي مهم داشت. به هر حال بخش‌هايي تعديل شد. خوشحالم از اين که اين تغييرات را اعمال کرديم، چرا که قصه قوام و انسجام بيشتري گرفت. مسلماً وقتي پيشنهادي به بهبود کار کمک مي‌کند، چرا مورد استفاده قرار نگیرد. ما هم تلاش کرديم به نحو مطلوب از نظر مديران استفاده کنيم.

يعني دوباره بخش‌هايي را ضبط کرديد يا هنگام تدوين اين تغييرات اعمال شد؟

نه، صحنه‌اي دوباره ضبط نشد، بلکه هنگام تدوين تغييراتي در قصه داديم. البته نه اين که حذف شود، بلکه سعي کرديم قصه را در جهت بهتر شدن صيقل دهيم.

مديران شبکه و گروه فيلم و سريال بيشتر در چه صحنه‌هايي تغييرات را اعمال کردند؟

مديران بيشتر نظراتي درباره صحنه‌هايي که از عاطفه (افسانه پاکرو) ضبط کرده بوديم، داشتند که با اضافه يا کم کردن چند ديالوگ و صحنه برطرف شد. اين تغييرات به محتوا و مفهومي که مدنظر داشتيم در اين قصه به مخاطبان منتقل کنيم، کمک زيادي کرد.

هر کارگرداني وقتي اثري مي‌سازد روي آن تعصب پيدا مي‌کند به همين دليل وقتي که تدوينگر بخش‌هايي را حذف مي‌کند، چندان برايش خوشايند نيست. تغييرات قبل از پخش براي‌تان آزاردهنده و دشوار نبود؟ فکر نمي‌کرديد ممکن است اين تغييرات به اثري که ساخته‌ايد لطمه بزند؟

نه، از هر کاري که باعث بهتر شدن کارم شود، استقبال مي‌کنم. اين تغييرات هم به بهتر شدن کار کمک کرد و اصلاً لطمه‌اي به قصه وارد نکرد، به همين دليل وقتي ديدم نظرات دوستان سازنده است و در جهت بهبود کار است، نه تنها ناراحت نشدم، بلکه براي‌م خوشايند بود چون کارم مورد توجه قرار گرفته بود.

الان از وضع پخش مجموعه تکيه بر باد راضي هستيد؟

الان که مجموعه تکيه بر باد را مي‌بينم از زمان پخش خيلي راضي هستم، چون سريال خيلي ديده مي‌شود. همچنين تکرار و تبليغات مناسب هم دارد. اگر قرار بود اين مجموعه ماه رمضان پخش شود آخر شب روي آنتن شبکه تهران مي‌رفت، چراکه زمان پخش

مجموعه‌های ماه رمضان در شبکه تهران آخر شب است. مخاطبان در آن ساعت برایشان کمی مشکل است تا کاری را دنبال کنند، چون زمان استراحتشان است.

در حال حاضر این مجموعه سه روز در هفته روی آنتن می‌رود و بازتاب‌های مثبت هم از دوستان منتقد، نویسنده، کارگردان و مخاطبان دریافت کرده‌ایم. نظرات نشان می‌دهد بینندگان با این مجموعه ارتباط برقرار کرده‌اند و این میسر نمی‌شد مگر آن که زمان پخش مناسب باشد.

در قسمت‌های اول این مجموعه برقی در چشمان نادر با بازی مهدی فخیم‌زاده دیده می‌شد. آیا این اتفاق از اول در قصه بود یا هنگام تغییرات قبل از پخش اعمال شد؟

این مساله جزو تغییرات قبل از پخش بود. در واقع می‌خواستیم درونیات شخصیت نادر با بازی مهدی فخیم‌زاده را به مخاطب نشان بدهیم و بگوییم که او ضد قهرمان است و قرار است باعث اتفاقاتی در قصه شود. می‌خواستیم تاکید کنیم این عشق پیرانه سر نیست و اصلا عشقی در کار نیست، بلکه توطئه‌ای در کار است. مخاطبان هم با این مساله ارتباط برقرار کردند. ابتدا نگران بودم مبادا کسی متوجه این برق نگاه نشود، اما خوشحالم که این اتفاق برای مخاطبان ملموس بود.

ولی فکر نمی‌کنید برق زدن چشم نادر در همان قسمت‌های ابتدایی مجموعه باعث شد تا قصه لو برود؟ چون به مرور که قصه جلو می‌رود مخاطب متوجه می‌شود کار نادر از سر عشق نیست، بلکه توطئه‌ای در کار است. ضمن این که چنین اتفاقاتی دیگر کلیشه‌ای شده و برای مخاطب جذابیت ندارد؟

نه، به نظرم برق زدن چشم نادر فقط به روند قصه کمک کرد. علاوه بر آن در فیلم‌های معروف دنیا هم از این شگرد استفاده می‌کنند، چون به شخصیت‌پردازی کمک بیشتری می‌کند. نظرات درباره یک اثر دراماتیک متفاوت است و هر کسی سلیقه خاص خودش را دارد. کسانی که متخصص این حرفه هستند از جمله دوستان نویسنده، کارگردان و تهیه‌کننده از این اقدام استقبال کردند. خودم هم با صحبتی که با عموم مردم داشتم، به این نتیجه رسیدم که برق زدن چشم نادر نشانه خوبی است و به شخصیت‌پردازی نادر کمک می‌کند. در مجموع از این مساله راضی هستم و چیزی نبود که مخالف آن باشم.

نظر فیلمنامه‌نویسان درباره این شیوه چه بود؟

عباس نعمتی نویسنده از ابتدا در جریان بود. علاوه بر آن وقتی این مساله را با آقای فخیم‌زاده هم مطرح کردم، او هم استقبال کرد و گفت به شخصیت‌پردازی نادر کمک می‌کند و ایرادی ندارد.

مهدی فخیم‌زاده علاوه بر بازی در مجموعه تکیه بر باد به عنوان مشاور هم حضور دارد. تا چه حد از نظرات او برای کارگردانی، انتخاب بازیگر، دکوپاژ صحنه‌ها و فیلمنامه استفاده کردید؟

رابطه من و آقای فخیم‌زاده پدر و پسری است. او به من خیلی لطف دارد. چند سال هم دستیار او بودم. وقتی از او برای بازی در این مجموعه دعوت کردم با کمال میل پذیرفت و به گروه ملحق شد. فخیم‌زاده و قریب‌یان بازیگران حرفه‌ای تمام عیار هستند. علاوه بر آن هر دو کارگردانان متبحری و بازیگران بسیار توانمندی هستند. فخیم‌زاده استاد من است. او وقتی پذیرفت در مجموعه تلویزیونی تکیه بر باد بازی کند، کاملاً در خدمت کار بود. برای تمام بخش‌ها، صحنه‌ها و دکوپاژهایی که داشتیم همکاری لازم را داشت. در خیلی موارد من از او مشورت می‌گرفتم و او هم در صحنه‌هایی که لازم بود مشورت می‌داد. فرامرز قریب‌یان و مهدی فخیم‌زاده در مجموع در اختیار کار بودند و چیزهایی که من می‌خواستم در متن باشد را رعایت می‌کردند. از نظر فخیم‌زاده در طراحی قصه و فیلمنامه استفاده کردیم. خیلی کم‌لطفی است که ما جوانان از حضور پیشکسوتان استفاده نکنیم. برایم کار کردن با فخیم‌زاده و دیگر بازیگران این مجموعه لذتبخش بود، به خاطر این که کامل خودشان را وقف کار کردند و بهترین بازی و مشاوره را به من دادند. فخیم‌زاده کارهای قبلی من را دیده بود و این طور نبود که از کارهای من شناخت نداشته باشد. همه این عوامل باعث شد تا قریب‌یان و فخیم‌زاده لطف کنند دعوت ما را قبول کنند. از این دو عزیز و دیگر بازیگران خاطره خوش باقی مانده است.

آیا صحنه‌هایی بود که صرفاً با نگاه فخیم‌زاده کارگردانی شود؟

نه، اصلاً این طور نبود. اگر هم نظری داشت با خودم مطرح می‌کرد. فخیم‌زاده جزو کارگردانان و بازیگران حرفه‌ای است و هر زمان هم که پیشنهادی برای بهبود کار داشت به من می‌گفت اگر موافق بودم این کار را انجام می‌دادم. او نظرات ایده‌آلی در طول کار داشت و اصلاً نظری خلاف کار نمی‌داد.

فخیم‌زاده به خاطر شناختی که نسبت به کار من داشت در شروع و پایان هر سکانس مرتب به من انرژی مثبت می‌داد و من را تشویق می‌کرد. در جمع یا خلوت از او انرژی می‌گرفتم و اعتماد به نفسم بیشتر می‌شد. چون با او کار کرده‌ام، سلیقه او را می‌شناسم و با نحوه کارش آشنا هستم. همکاری با او برایم لذتبخش است.

ولی وقتی تصاویر این مجموعه را می‌بینیم در برخی صحنه‌ها تفاوت ساختار دیده می‌شود. به عنوان مثال در صحنه‌هایی که فخیم‌زاده بازی دارد، حرکت دوربین خیلی پیچیده‌تر است و نمابندی‌ها کاملاً فرق دارد. چرا این تفاوت ساختار احساس می‌شود؟

این تفاوت ساختار به خاطر شخصیت‌هایی است که در شرکت نادر محسنیان (فخیم‌زاده) حضور دارند. شخصیت او و برادرش که نقش او را شهرام عبدلی بازی می‌کند و پسرش خیلی پیچیده است. بنابراین متناسب با شخصیت‌هایی که در شرکت حضور داشتند دکوپاژ هم تغییر می‌کرد. از سوی دیگر خانواده فرامرز قریب‌یان سنتی، گرم و اصیل هستند و شخصیت‌ها پیچیده نیست، به همین دلیل حرکت دوربین هم ساده است. این سبک کار من است. در این مجموعه و 70 اپیزودی که برای سریال شاید برای شما هم اتفاق بیفتد کار کردم، برای شخصیت‌های پیچیده تعریفی در قصه دارم و شخصیت‌های اصیل ایرانی را ساده‌تر می‌بینم و نوع کارگردانی و دکوپاژی که در نظر می‌گیرم روان و ساده است و اگر شخصیت‌ها پیچیده باشد دکوپاژ من هم پیچیده خواهد شد. میزانشن متناسب با بازی و واکنش بازیگران است. این تفاوتی که شما در ساختار احساس می‌کنید به این خاطر است. البته در این مساله زمان هم بی‌تأثیر نبود. ما برای برخی صحنه‌ها فرصت داشتیم، اما برخی سکانس‌ها نه. این مجموعه تلویزیونی را در پنج ماه کار کردیم. بنابراین باید 10 دقیقه مفید در روز ضبط داشتیم. گاهی پیش می‌آمد برخی صحنه‌ها را با دقت بیشتری می‌گرفتیم. البته تعجیل توجیه مناسبی نیست، اما سعی کردیم برخی صحنه‌ها را ساده‌تر بگیریم. این مورد در صحنه‌های اولیه است و از این به بعد تماشاگر با صحنه‌های جذاب در این مجموعه روبه‌رو می‌شود. هر چه قصه جلوتر می‌رود داستان پیچیده‌تر می‌شود و تعلیق‌های قصه هم افزایش می‌یابد.

ولی این تفاوت ساختار باعث شده تا توازن میان شخصیت‌ها حفظ نشود؟ برخی صحنه‌ها خیلی خوب است و برخی معمولی.

معظمی: ما در این قصه تأکید می‌کنیم که ممکن است گناه در خانه همه را بزند. فرقی نمی‌کند فرد ایمانش قوی باشد یا نه. برای همه ممکن است این مساله پیش بیاید. بلندپروازی‌ها و دوستانی که عاطفه دارد، باعث می‌شود تا او راه اشتباه را انتخاب کند این مورد طبیعی است و در همه کارها اتفاق می‌افتد. همه صحنه‌ها را نمی‌توانید بانمره خوب و عالی داشته باشید. دو سکانس اوج دارید، یک سکانس کلیدی و... فیلمنامه می‌گوید هر صحنه چطور کارگردانی شود. برخی مواقع ساده است و برخی مواقع پیچیده‌تر. از سوی دیگر نمی‌توان همه سکانس‌ها را ایده‌آل کار کرد و متناسب با متن، سکانس‌ها را کار می‌کنیم. برخی سکانس‌ها چیز خاصی ندارد و می‌توان گفت ماجرابی را مطرح نمی‌کند. به عنوان مثال یک صحنه فقط می‌خواهد گرمای یک خانواده را نشان بدهد. بنابراین نمی‌توانید حرکات خاص و پیچیده دوربین را داشته باشید. در واقع اتفاق خاصی نیست که برای بیننده تأکید کنیم. تمام صحنه‌های مجموعه تکیه بر باد را خودم کارگردانی کردم. با توجه به این که بازیگران خیلی خوب و حرفه‌ای هستند چه پیشکسوتان و چه جوانان، من در طول کار راحت بودم، حتی با حضور این دوستان برای سکانس‌های پیچیده هم مشکلی نداشتیم. من در طول کار خیلی به بازی فکر می‌کنم. داشتن بازیگر خوب خیلی اهمیت دارد. بعد از قصه، بازیگران مهم‌ترین چیزی است که بیننده را جذب می‌کند. وقتی فیلمنامه‌ای برای کار به دستم می‌رسد، سعی می‌کنم ابتدا خودم با شخصیت‌ها ارتباط برقرار کنم و بعد نقش را به بازیگران منتقل و میزانشن را مشخص می‌کنم. در مجموع تا زمانی که خودم کار را درک نکنم و نتوانم با آن ارتباط برقرار کنم کاری انجام نمی‌دهم. نمی‌دانم در این کار چقدر موفق بوده‌ام! اما به قصه و بازی خیلی توجه می‌کنم تا قابل باور باشد و تماشاگر را جذب کند. در مجموعه اپیزودیک شاید برای شما هم اتفاق بیفتد سکانس‌های ویژه، تکنیکی‌تر و به قول خودمان دوربین بازی‌های زیادی داشتیم. در مجموعه تکیه بر باد سعی کردم قصه را روایت کنم، بدون پرهیز از تکنیک اضافه و دوربین بازی در راستای خود قصه کار را انجام دادم.

مهدی فخیم‌زاده جزو کارگردانانی است که در روز بیش از دو تا سه دقیقه ضبط مفید ندارد. او با این همه تعجیل برای ساخت مجموعه تکیه بر باد مشکل نداشت؟

نوع کارهایی که او می‌سازد سخت است. بیشتر کارهای او پرهیجان و پلیسی است. در این نوع کارها نمی‌توان بیشتر از این هم ضبط مفید داشت. البته او بشدت پلان می‌گیرد. درست است روزی سه دقیقه ضبط مفید دارد، اما 150 پلان سخت می‌گیرد و این طور نیست که چهار تا پنج پلان بگیرد. فخیم‌زاده ورزشکار است و بانگیزه خوب کار می‌کند. او همان زحماتی که برای بازی در مجموعه تلویزیونی «مختارنامه» به کارگردانی داوود میرباقری کشید برای مجموعه تکیه بر باد هم تا همان حد وقت گذاشت و کار کرد. ساعت‌های طولانی کار او را خسته نمی‌کند و همیشه به من و گروه انرژی مثبت می‌داد.

فرامرز قریب‌یان در مجموعه تکیه بر باد نقش یک دادستان را بازی می‌کند که سه فرزند دارد تا این که عاطفه متوجه می‌شود فرزند او نیست. با این تعلیق قصد داشتید نشان دهید فرزندان یک دادستان مشکلی پیدا نمی‌کنند و عاطفه چون فرزند واقعی او نیست خیلی سریع فریب می‌خورد؟ گرچه با این گره خواستید قصه را چاق‌تر کنید، اما قصه این مجموعه به اندازه کافی تعلیق دارد. هدف‌تان از این

اتفاقا دادستان نسبت در مقایسه با دیگر فرزندان به عاطفه بیشتر توجه می‌کند و بیشتر از همه به او بها داده و به لحاظ ریالی بیشتر به او می‌رسد تا آینده درخشانی داشته باشد. از سوی دیگر در تربیت‌اش هم کم نگذاشته است، اما عاطفه به خاطر شرایطی که برایش پیش می‌آید و بلندپروازی‌هایی که دارد علاقه‌مند است یک شبه ره صد ساله برود. او می‌خواهد میانبر بزند.

ما در این قصه تاکید می‌کنیم که ممکن است گناه در خانه همه را بزند. فرقی نمی‌کند فرد ایمانش قوی باشد یا نه. برای همه ممکن است این مساله پیش بیاید. بلندپروازی‌ها و دوستانی که عاطفه دارد، باعث می‌شود تا او راه اشتباه را انتخاب کند. اگر او فرزند واقعی دادستان بود در جایی از قصه پدر و مادرش یا او را مجاب می‌کردند یا این که تن به خواسته او می‌دادند. ما با این ترفند در قصه می‌خواستیم بهانه‌ای به دست عاطفه بدهیم تا زودتر تصمیم‌اش را بگیرد. خود عاطفه هم بارها می‌گوید، خسته شدم از ساده زندگی کردن، قناعت و... به هر حال افرادی در خانواده هستند که دلشان می‌خواهد ساده و زود به آرزوهایشان برسند و خلاف جریان خانواده حرکت کنند.

یعنی نمی‌خواستید شخصیت دادستان را مثبت جلوه بدهید و بگویید همه کارهای او درست است؟

شخصیت دادستان مثبت است. او به دنبال اجرای عدالت و حق است و زمانی که با مشکل عاطفه روبه‌رو می‌شود تلاش می‌کند راه درست را انتخاب کند تا مشکل او برطرف شود. او خیلی خونسرد برخورد کرده و خودش را کنترل می‌کند. از سوی دیگر در درام باید قصه را به گونه‌ای جلو ببرید تا هر آن مخاطب با یک گره روبه‌رو شود تا قصه برایش جذابیت لازم را داشته باشد.

قبل از این که افسانه پاکرو نقش عاطفه را بازی کند، قرار بود سحر قریشی این نقش را ایفا کند. چرا قریشی حذف شد؟ و آیا بعد از تغییر، بازیگر شخصیت عاطفه متناسب با بازیگر انتخاب شده تغییر کرد یا نه؟

سحر قریشی درگیر یک کار سینمایی بود، به همین دلیل ما نتوانستیم با او همکاری کنیم و از افسانه پاکرو دعوت کردیم. شخصیت عاطفه هم تغییر نکرد. افسانه پاکرو معصومیتی در نگاه و صورتش دارد و تماشاگر با او همذات‌پنداری می‌کند. تماشاگر می‌داند که او گول خورده و به بازی گرفته شده است. بیننده می‌بیند که کودک درون او چگونه تحت تاثیر زرق و برق زندگی قرار می‌گیرد. او دختر زرنگی نیست. در مجموع پاکرو هم این نقش را بخوبی ایفا کرد.

در این سریال نشان می‌دهید دخترهایی که از شهرستان به تهران می‌آیند ممکن است با مشکلاتی روبه‌رو شوند. هدف‌تان این بود که دختران شهرستانی به تهران مهاجرت نداشته باشند و در شهر خودشان تحصیل کنند؟

نه، بحث ما مهاجرت نبود. هر کس می‌تواند در هر جای دنیا زندگی کرده و تحصیل کند. هدف ما این بود که نشان بدهیم نباید تحت تاثیر حواشی مدرن قرار گرفت. نباید اصل خودمان را فراموش کنیم و باید براساس نگاهی که بزرگ شده‌ایم، جلو برویم. برای پیشرفت باید تلاش کرد، اما انتخاب کردن راه درست مهم است. هدف ما این بود که نشان دهیم می‌توان از هر راهی به هدف رسید، اما آنچه اهمیت دارد این است که باید از راه درست مسیر را طی کرد. میانبر زدن باعث می‌شود تمام عقبه و سال‌هایی که کنار خانواده گرم و صمیمی بوده‌ایم را به آرزوهای زودگذر ترجیح بدهیم.

یکی از شگردهای خوب در فیلمنامه مجموعه تکیه بر باد داستانه‌های فرعی است. ولی متأسفانه به این داستانه‌ها خوب پرداخته نشده و حتی برخی صحنه‌ها مغفول مانده است. در حالی که قابلیت کار بیشتری داشت. مثل زندگی نرگس و همسرش نادر. چرا این اتفاق نیفتاد؟

به نظرم به اندازه کافی به این شخصیت‌ها پرداختیم. با توجه به این که خط اصلی قصه چیز دیگری است، بنابراین بیش از این نمی‌توانستیم به شخصیت‌های فرعی بپردازیم. معضلی که در بقیه سریال‌ها دیدم این که قصه‌ها تک‌خطی است و یک جایی قصه می‌ایستد و دیگر برای تماشاگر جذابیتی ندارد و تنها یک خط را دنبال می‌کند. علاوه بر آن اواسط قصه دیگر گره‌ای نیست. قصه‌های فرعی همیشه به ماجرای اصلی کمک و ما هم تا اندازه‌ای به این داستانه‌ها پرداختیم که هم از ماجرای اصلی دور نشویم و به پیشبرد قصه اصلی کمک کند.

فیلمنامه مجموعه تکیه بر باد همزمان با تولید نوشته می‌شد؟

بخش عمده فیلمنامه حاضر بود. من با 15 قسمت فیلمنامه، این مجموعه را کلید زدم و در طول کار بقیه قصه نوشته شد. عباس نعمتی وسواس زیادی برای نوشتن دارد و من نظراتم را در طول نگارش قصه می‌دادم و دوستان نویسنده آن را اعمال می‌کردند.

مسلمان هر چقدر در دل کار وارد شوید به نقاط برجسته‌ای می‌رسید و سعی می‌کنید قصه بازنویسی بهتری داشته باشد و شخصیت‌پردازی‌ها بهتر انجام شود. ما در مجموعه تکیه بر باد تلاش کردیم تا قصه تعلیق‌های لازم را برای مخاطب داشته باشد. از سوی دیگر بازیگران حرفه‌ای این مجموعه برای بازی‌هایشان اصلاً کم نگذاشتند و سعی کردند بهترین بازی را ارائه بدهند.

برای این مجموعه بازیگران خوبی انتخاب شده، اما برای برخی نقش‌ها این توازن دیده نمی‌شود. چرا این اتفاق افتاده؟

به نظرم این‌طور نیست. همه بازیگران به دقت انتخاب شدند و هماهنگی میان نقش‌ها وجود دارد.

اما در صحنه‌ای که پسر دادستان را دستگیر می‌کنند، همسر دادستان واکنش مناسبی ندارد. انگار که اتفاقی نیفتاده است. گرچه روحیات یک زن دادستان به خاطر حرفه همسرش با یک زن خانه‌دار قابل مقایسه نیست، اما چرا واکنشی ندارد؟

این ایراد به من برمی‌گردد. هر شخصیتی براساس قصه تعریف شده در این خط راه می‌رود. فلور نظری هم برای نقش همسر دادستان زحمت زیادی کشیده است. هر کاری لحظاتی دارد که ممکن است از نگاه من دور مانده است. در مجموع همه گروه تلاش کردند تا کار به نحو مطلوبی ضبط شود.

با این پاسخ نشان دادید چه کارگردان متواضعی هستید؟

نه، من فقط واقعیت را گفتم.

خیر و شر مجموعه تلویزیونی تکیه بر باد از ابتدا معرف حضور بینندگان است و مخاطب تنها به دنبال این است که کدام یک برنده می‌شوند. با توجه به این که چند سال پیش مجموعه نرگس با این مضمون پخش شد، نگران نبودید مخاطبان تکیه بر باد را با نرگس مقایسه کنند؟

چون طرح قصه طور دیگری بود و در جزئیات و کلیات متفاوت است، نگرانی نداشتم تا با سریال نرگس مقایسه شویم. تکیه بر باد قصه بکر و متفاوتی دارد. دوستان با من هم نظر هستند. در این مجموعه سعی کردیم روایتگر آدم‌هایی باشیم که در جامعه زندگی می‌کنند و دور از واقعیت نیست. هر چه قصه جلوتر برود زوایای پنهان کار بیشتر مشخص می‌شود. ما سعی کردیم در هر قسمت گره‌ای در قصه بگذاریم. تلاش من و گروه این بود که کار مخاطب‌پسند انجام بدهیم. هر اثری مطلقاً کامل نیست و ضعف‌هایی هم دارد، ولی کاری برنده است که مخاطب بیشتر جذب کند و ایرادهای کمتری داشته باشد.

آیا با کارگردانی مجموعه تکیه بر باد قصد داشتید سطح سلیقه مخاطب را هم ارتقا بدهید؟

با راه‌اندازی شبکه‌های مختلف و تولید آثار متنوع مخاطب نیز با آثار هوشمندانه روبه‌رو می‌شود. مخاطب امروز با 20 یا 30 سال پیش فرق دارد. در حال حاضر فناوری زیادی در اختیار دارد. بنابراین ما باید با آثار دیگر رقابت کنیم و هر چه داستان بومی‌تر باشد، مسلمان بینندگان ارتباط بیشتری با آن برقرار می‌کنند. تمام سعی‌ام را کردم تا برای وقت مخاطب ارزش قائل شوم. نباید کاری بسازیم که مخاطب فکر کند 40 تا 50 دقیقه از وقتش را برای دیدن کاری گذاشته که ارزشی نداشته است. مخاطب خیلی مهم است و باید سعی کنیم با روایت یک قصه جذاب زوایای پنهان قصه را باز کنیم. باید مخاطب را به فکر و تامل واداریم. امیدوارم این اتفاق افتاده باشد.

یکی از امتیازات تکیه بر باد، نورپردازی خوب آن است و براساس شخصیت‌هایی که در هر صحنه حضور دارند صحنه هدفمند نورپردازی شده است. خودتان در این‌باره چقدر دخالت داشتید؟

به هر حال در یک مجموعه به غیر از عوامل حرفه‌ای که حضور دارند، باید کارگردان همه موارد را در صحنه به درستی هدایت کند. این هدایت شامل دوربین، صدا، نور و... است. من سعی کردم همه چیز در خدمت قصه باشد و جدا از داستان نباشد.

فاطمه عودباشی / گروه رادیو و تلویزیون